

# تذکره الوفا - جناب آقا میرزا مهدی کاشانی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



جناب آقا میرزا مهدی کاشانی - تذکره الوفاء - اثر حضرت عبدالبهاء

جناب آقا

میرزا مهدی کاشانی

﴿ هو الله ﴾

و از جمله مهاجرین و مجاورین جناب آقا میرزا مهدی کاشانی است \* این شخص محترم از اهل کاشان بود و در بدایت عمر تحصیل علوم و فنون از پدر مرحوم مینمود تا آنکه در شعر و انشاء و خط شکسته مهارت تام یافت و در بین اقران ممتاز و از جوانان دیگر مستثنا بود \* در سن طفولیت از ظهور حضرت احدیت خبر گرفت و بنابر محبت الله بر افروخت و از خریداران یوسف حقیقی شد سر حلقه طالبان گردید و در دائره عاشقان در آمد لسان تبلیغ گشود و در اثبات ظهور به بیان بلیغ پرداخت \* بعضی را بشاهراه هدایت دلالت کرد و در کاشان بعشق الهی رسوای جهان شد مورد ملامت بیگانه و آشنا گردید و معرض شماتت هر یار بیوفا شد \* یکی گفت این سر گشته و سودائست دیگری گفت این بخت بر گشته و رسوائی جفا کاران زبان طعن گشودند و ستمکاران رحم نمودند \* چون عرصه تنگ شد و اشرار بستیزه و جنگ برخاستند جناب مذکور ترک وطن مألوف کرد و بمرکز اشراق خطه عراق شتافت و بحضور دلبر آفاق رسید چندی بمصاحبت یاران پرداخت و بحامد و نعوت آهنگ خوشی مینواخت \* بعد از مدتی مأذون برجوع کاشان گشت و ایامی در وطن خویش بسر برد دو باره شور به سر آمد طاقت فراق نماند مراجعت بعراق کرد و همسیره خویش امه الله المحترمه حرم ثالث را ببغداد آورد \* در بغداد در ظلّ عنایت بسر میبرد تا آنکه موکب مبارک از عراق بسمت قسطنطنیه حرکت نمود \* در بغداد بحافظه بیت مأمور شد و از آتش فراق در احتراق بود دمی آرام نداشت و نفسی آسایش و راحت ننمود تا آنکه احباً از عراق بموصل نفی و تبعید شدند از جمله اسپران بود و از زمره مظلومان بنهایت تعب و مشقت بموصل رسید و در حدباء اسیر محنت و بلا بود \* اکثر اوقات ضعیف و علیل بود و در منفی در نهایت فقر و فنا با وجود این صبور و شکور بود و حمل و وقور تا آنکه طاقت طاق شد و تجمل فراق نماند اذن حضور خواست مأذوناً مأجوراً بسجن اعظم شتافت \* از شدت صدمات راه و شدت محنت و مشقت با جسمی ضعیف و نحیف و ناتوان بزندان عکا واصل گشت ایامی بود که جمال مبارک در داخل قلعه در وسط قشله محبوس و مسجون بودند \*



ORIGINAL

باری، جناب مذکور با تعب موفور ایامی بوجد و سرور گذراند بلا را عطا یافت و زحمت را رحمت دانست و نعمت را نعمت شمرد زیرا در سبیل الهی بود و ابتغاء رضاء ربّانی ایّام را میگذراند تا آنکه مرض شدّت یافت و روز بروز جسم بر انحلال افزود و در پناه عنایت بجوار رحمت کبری طیران نمود \* این ذات مکرم بین خلق محترم بود ولی در سبیل محبت الله بی نام و نشان گشت و انواع بلا یا و رزایا تحمل نمود و هیچ وقت شکوه نمود راضی بقضا بود و راه تسلیم و رضا می پیمود مشمول نظر عنایت بود و در درگاه کبریا مقربّ لهذا از بدایت حیات تا نهایت بر حالت واحده مستغرق بحر رضا بود و ربّ ادراکنی ادراکنی میگفت تا آنکه بجهان پنهان صعود نمود \* عطر الله مشامه بنفحات القدس فی الفردوس الاعلی و سقاه شراباً طهوراً فی کأس کان مزاجها کافوراً و علیه التّحیّة و الثّناء \* رمس معطرش در عکاست \*